

عاشقی جمعه و گوهر در حوزه هنری

کارگری به نام «جمعه» در مسجیدی مشغول به کار است و عاشقی بانو «گوهر» مهندس معمار این مسجد می‌شود. این مقدمه‌ای برای دیدن نمایشنامه برگزیده جشنواره تئاتر رضوی به کارگردانی سعید نجفیان است که با بازی شیوا خسرومهر محمد هادی عطایی، حمیدرضا کشوردوست و... درحوزه هنری روی صحنه رفته است. «گوهر» هر شب ساعت ۱۹:۳۰ میزبان مخاطبان است.



یادداشت

کودکی تا امروز علی سلیمانی در «مکعب»

«مکعب» نوشته سببا سلیمانی با کارگردانی علی سلیمانی عنوان نمایشی است که تا ۲۸ تیر هر روز ساعت ۲۰ در خانه نمایش روی صحنه می‌رود. در نمایش «مکعب» علی سلیمانی علاوه بر کارگردانی به همراه همسرش و سهیلا جوادی ایفای نقش می‌کنند. داستان نمایش «مکعب» روایت سلیمانی از زندگی خودش از کودکی تا امروز است.



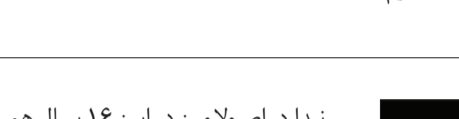
روزی از روزهای سال ۷۵

مجتبی پیرزاده، علی‌رضا ثانی‌فر، شمس‌صادقی، حسین‌فرضی‌زاد و سلما کریم عمری بازیگران نمایش جدید گلچهر دامغانی با عنوان «صبحانه در غروب» هستند که این روزها مخاطبان مشتاق را در سالن قشقای مجموعه تئاتر شهر، ساعت ۲۱:۱۵ میزبانی می‌کنند. در خلاصه این نمایش آمده است: دو سرباز و یک افسر، روزی از روزهای سال ۷۵، منزل‌ساز...



یک بازجویی با «روال عادی»

«روال عادی» نمایشی درباره بدگمانی و بی‌اعتمادی است که در یک موقعیت سهل و ممتنع شکل می‌گیرد. ساده‌آز این جهت که دو آدم یکی در نقش کمیسر با بازی کوروش سلیمانی و دومی در نقش خیرچین با بازی مسعود دلخواه مقابل هم نشست‌اند و قرار است که کمیسر، خیرچین را بنا بر نامه‌ها و اتهاماتی که به او از سوی افراد مختلف وارد شده است، محکوم کند.



اینجا چراغی روشن است



احسان زور عالم خبرنگار

این سال‌ها زده نشده، نشان می‌دهد داستان فروتن و مستند سیاسی با قدمت شده است و اکنون ایجاد پرسشی مهم می‌کند. چرا ظرفیت تئاتر مستند در این سال‌ها مغفول مانده است؟

در زمان نمایش «مرگ هوتن» زمانی که با یوسف پایبری گفت‌وگو می‌کردم، او درباره تئاتر مستند و چگونگی جافتادش می‌گفت. از اینکه چگونه با نمایش «ویران» جهان تئاتر مستند را کشف می‌کنند، یک سه‌گانه خلق می‌کنند و در نهایت با کتابی از محمد منعم به نوعی پروژه را می‌بندند. کتاب منعم تنها منبع تئاتر مستند در ایران است، تئاتری که پیتر وایس در ۱۹۶۳ با ماراساد جهانی‌اش کرده و ولی بیش از ۵۰ سال به طول می‌انجامد تا ایرانی‌ها از قدرت‌اش آگاه شوند. به قول پایبری تنها امیررضا کوهستانی بود که به نوعی از تکنیک‌هایش استفاده می‌کرد؛

اما باز به نظر می‌رسد پیام فروتن در این گفت‌وگوها جا مانده است. این مقدمه برای آن است که گریزی به نمایش «هفت روز از تیرماه» بزنیم. نمایشی به کارگردانی مشترک کامران شهلایی و محمد لازتی با موضوع انفجار دفتر حزب جمهوری اسلامی و تکیه بر شخصیت محمد رضا کلاهی، عامل انفجار هفتم تیر. بر پوست این نمایش، نشان بنیاد شهید نقش بسته است تا پیش از مواجهه با اثر از سفارشی بودن آن و بالطبع ضعیف بودنش سخن به میان آوریم. ضعف عمده آثار سفارشی در حوزه تئاتر، موجب فروپاشی بازار و مخاطب‌آوری با این عنوان شده است.

اما در مواجهه با «هفت روز از تیرماه» داستان برعکس می‌شود. با اثری روبه‌رویم که فکر شده است. برای بیان هنری یک موضوع شیوه اجرایی کارآمدی انتخاب کرده است و برای گریز از فروپاشی‌های گذشته از امکانات مهمی چشم‌پوشی می‌کند تا به ساده‌ترین فرم ممکن دست یابد. کارگردانان نشانگان را هم تقلیل می‌دهند تا درک موضوع آسان شود. چهار قاب در یک خط ناموازی نسبت به مخاطب که گویی از چپ به راست کوچک می‌شوند. بزرگ‌ترین قاب از آن کلاهی است پوشیده با پرده‌ای عمودی. کلاهی با بازی رامین سیاردرشتی در پس پرده‌پنهان است و هر از گاهی پرده‌رامی کشد و از خودش می‌گوید. این از خود گفتن هم با ما و اگر هم راه است. مدام می‌گوید «می‌گویند» تا نشان دهد او هم روز است. اودر میان دیگران حرف نمی‌زند. با تلفن شاید با ما دیگران هرگز. پس او هم روز و هم روز می‌شود. دست‌نیافتنی‌ترین مرد تاریخ که با گفتن حتی مورد مشکوک سال ۲۰۱۶ نیز می‌تواند کلاهی نباشد، مرموزتر می‌شود. در آن سو، در آن قاب کوچک بازمانده‌ای سخن می‌گوید. او دور است، چون در بطن ماجرا نبوده است. استاندارد آن روزهای سمنان ربطی به دفتر تبلیغات و تدارکات حزب ندارد، پس از دور سخن می‌گوید. از چیزی می‌گوید که پس از دیدن نور سفید به یاد دارد. خاطره تعریف می‌کند و نامی از کلاهی نمی‌برد. کلاهی برای او کسی نیست. در مقابل سرفراز و نادای در میانه هستند. آنان به کلاهی نزدیک‌ترند، ولی فاصله دارند. هیچ‌وقت به سمت چپ خود نمی‌روند، چون در دنیای رمزآلود کلاهی جایی ندارند. پس از خودشان می‌گویند و هر کجا پای کلاهی در میان درگیر مکت و سکوت می‌شوند. وضعیت دراماتیک به خوبی شکل می‌گیرد تا حال در بطن ماجرا داستان یک انفجار نقل شود. کارگردانان «هفت روز از تیرماه» برای نشان دادن فاجعه مدام سراغ ویدئو‌هایی با موضوع شهیدبهرشتی می‌روند. ویدئوها مانند خاطرات قرار است چهره اخلاقی بهشتی را عیان کنند. اینکه او مردی نیکوسیرت است و دشمنی کردن با او باطل است. پس آرام آرام به این سمت می‌روند تا طرح پرسش کنند: «چرا باید مرد نیکوسیرتی چون بهشتی ترور شود؟»

«هفت روز از تیرماه» قرار است این پرسش را در ذهن مخاطب فعال کند؛ پس مدام یک دوتایی خلق می‌کند: بهشتی - کلاهی. در این دوتایی یک نفر همه چیزش عیان است، خانه‌ای در قلهک دارد با سبک زندگی ویژه که به آن اعتقاد دارد و هدفش رسیدن جامعه به آن است. در مقابل کلاهی چیز آشکاری ندارد و حتی سبک زندگی نامعلومش را هدفی هم‌گام با کنش نمی‌داند. پس یکی محبوب است و قربانی و دیگری مشغول است و جانی. این مهم نمی‌توانست با انبوهی از دیالوگ‌های پینگ‌پنگ عقیدتی شکل بگیرد. در اینجا تصویر مهم است و پس، تئاتر مستندی که در کشف می‌شود ناچای ماجرا می‌شود. تنها حیف که کمی بوی سانتیمانالیسم می‌دهد. کمی آه و اشک آمیزه‌اش می‌شود تا شاید مخاطب را با شخصیت نزدیک‌تر کند و زینهایت تبدیل به عکس فاصله‌گذاری موجود می‌شود، ولی باز تلاش لازتی و شهلایی قابل تأمل است که از ابتدای آثار سفارشی پیشین نشانی ندارند.

گزارش

«هفت روز از تیر شصت» نمایشی به نویسندگی کامران شهلایی و کارگردانی مشترک نویسندگان با محمد لازتی است که این روزها در سالن سایه مجموعه تئاتر شهر روی صحنه رفته؛ نمایشی که قرار است روایتی از اتفاقات تیر ماه سال ۶۰ و فاجعه ترور بیستی حزب جمهوری اسلامی را تصویر کند. مساله‌ای که با گذشت ۳۶ سال برای اولین بار توسط یک گروه نمایشی به آن پرداخته می‌شود، اینکه چرا پرداختن به یک چنین مساله مهمی با ویژگی‌های برجسته نمایشی و جذاب برای مخاطبان باید نزدیک به چهار دهه مغفول بماند نیازمند بحث و گفت‌وگو و جدی و ریشه‌ای است، چراکه تنها این موضوع در تاریخ معاصر نادیده گرفته نشده، بنده اما در ادامه گفت‌وگویی داریم با کامران شهلایی، نویسنده و کارگردان، محمد لازتی، کارگردان و فرزین محدث بازیگر این نمایش تا بیشتر از انگیزه‌های اجرایی این اثر بدانیم. کامران شهلایی نویسنده این نمایش در رابطه با انگیزه پرداختن به چنین مساله‌ای می‌گوید: «متأسفانه به تاریخ معاصر کشورمان به ویژه پنج سال ابتدای انقلاب اسلامی خیلی کم یا اصلاً پرداخته نشده و در کل در حوزه تئاتر مستند نیز اصلاً چنین اتفاقی تاکنون رخ نداده است. با توجه به اینکه کشورمان ایران قربانی ترور است و همه اتفاقات و بحران‌ها و ترورها که در اوایل انقلاب داشته‌ایم و ترور منفور است، متعجبم که چرا هنرمندان ما سراغ این همه موضوع قابل بحث نرفته و نمی‌روند».

شهلایی معتقد است که هنرمندان باید نسبت به اتفاقات معاصر واکنش نشان دهند، البته برخی معتقدند بخشی از این اتفاق به دلیل بسته بودن فضای بحقیقت در این حوزه است، شهلایی در این رابطه به بسته بودن فضای تحقیق اشاره دارد و ادامه می‌دهد: «بسته بودن فضای تحقیقی یک مشکل دارد آن هم به این دلیل است که تاریخ معاصر کشور اصلاً مورد تحقیق و بررسی

نمایش مستند ترور کاری بسیار سخت و در عین حال جذاب است و می‌توان گفت دریای بزرگی از کشف نشده‌هاست. بنده در این پروژه از همه لحاظ درد کشیدم و در تحقیقات و گفت‌وگو با خانواده‌های ترور بسیار فضای ناراحت‌کننده‌ای را تحمل کردم، با خیلی از خانواده‌ها به سختی ارتباط گرفتم زیرا نمی‌توانستند به ما اعتماد کنند، حق هم داشتند، چرا که خیلی از عزیزانی که در این رابطه تحقیق کرده بودند از خانواده‌ها فیلم، عکس و صدای عزیزان‌شان گرفته و بازنگردانده بودند که این باعث بی‌اعتمادی شده است. کار کردن در این حوزه روی لبه تیغ راه رفتن است. با تمام ترس که داشتم خدا را شکر از نتیجه کار راضی هستم. ان‌شاءالله بتوانیم هر سال

قرار نگرفته است. اگر هم اندک کاری شده است بسیار کم و ژورنالیستی است. ما مجبوریم با تک‌تک افراد گفت‌وگو کنیم که بی‌شک هر کس هم متفاوت با دیگری حرف می‌زند. این موضوع با این شکلی که پیش می‌رود دچار تحریف و قابل‌انکار می‌شود. نمایش مستند ترور کاری بسیار سخت و در عین حال جذاب است و می‌توان گفت دریای بزرگی از کشف نشده‌هاست. بنده در این پروژه از همه لحاظ درد کشیدم و در تحقیقات و گفت‌وگو با خانواده‌های ترور بسیار فضای ناراحت‌کننده‌ای را تحمل کردم، با خیلی از خانواده‌ها به سختی ارتباط گرفتم زیرا نمی‌توانستند به ما اعتماد کنند، حق هم داشتند، چرا که خیلی از عزیزانی که در این رابطه تحقیق کرده بودند از خانواده‌ها فیلم، عکس و صدای عزیزان‌شان گرفته و بازنگردانده بودند که این باعث بی‌اعتمادی شده است. کار کردن در این حوزه روی لبه تیغ راه رفتن است. با تمام ترس که داشتم خدا را شکر از نتیجه کار راضی هستم. ان‌شاءالله بتوانیم هر سال

به چند تن از شهدای ترور بپردازیم. نمایش «هفت روز از تیر شصت» با دو نگاه مجزا اما تنیده در هم اتفاقات را روایت می‌کند، نگاه اول ماجرای کلاهی و بمب‌گذاری در حزب و نگاه دوم شخصیت شهید بهشتی و واکنش‌های مختلف نسبت به آن است، نگاه‌هایی که گاهی از دید شخصیتی چون آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی است و گاهی از دید هنرمندی چون رضا کیانیان، کامران شهلایی ضمن تأیید وجود این دو نگاه می‌گوید: «با توجه به اینکه شهید بهشتی در دوران کاری‌شان مورد به‌نامی قرار گرفته بودند، یعنی این گونه است که هر سیاستمداری در دوران سیاستمداری‌اش مورد تخریب قرار می‌گیرد، من هم گفته‌های خود شهید را آوردم و هم تعریف‌های اطرافیان را در نمایش جا دادم. شهید بهشتی امروز تبدیل به یک بت شده است درحالی که دوران کاری‌اش حتی شعار مرگ بر بهشتی سر می‌دادند، اما وقتی شهید شد متوجه شدند اشتباه می‌کردند. تئاتر



۳۶ سال سکوت تئاتر از هفتم تیر ۶۰ تا هفتم تیر ۹۶

مستند گونه‌ای متفاوت در تئاتر است که مخاطبان از هر طیفی می‌توانند با آن ارتباط برقرار کنند، اما تئاتر مستند به دور از جذابیت‌های خاص خود، این بار در محتوایی سیاسی قرار است روایتی را داشته باشد، شهلایی از تجربه اجرای نمایشی مستند، به‌عنوان اتفاقی جذاب برای یک هنرمند نام می‌برد و محمد لازتی دیگر کارگردان نمایش می‌گوید: «ما هفت ماه کار پژوهشی و مصاحبه با خانواده‌ها و بازماندگان حادثه هفتم تیر داشتیم که تقریباً به صورت گروهی بود. جالب است بدانید که خود بازیگرها خودشان خودجوش وارد تحقیق شدند و علاقه نشان دادند و وارد تحقیق پژوهش شدند. ما در این نمایش نه یک کلمه کم و نه یک کلمه اضافه کردیم و اصلاً خیال‌پردازی نداشتیم. حتی مستقیماً از خود خانواده‌های قربانی این فاجعه هم نظر خواستیم. چند شب پیش همسر آقای شهید عباس‌پور میهمان ما بودند و گفتند که منظر بوم‌بینیم چه چیزی را غیرواقعی کرده‌اید و چیزی ندیدیم، همه چیز را با دقت رعایت کرده بودید.»

لازتی در رابطه با واکنش مخاطبان نیز ارزیابی مثبتی دارد و ادامه می‌دهد: «همه اقبال‌ها آمدند و واقعا کار را دوست داشتند، سختگیرترین آدم‌ها نمایش را دیدند و واقعا هم راضی بودند. این کار سفارشی نیست و برعکس این ما بودیم که کار را سفارش دادیم و پس از آن تولیدش کردیم. گروه به‌شدت پیگیر بود و مسئولان فرهنگی بنیاد شهید، مدیریت مرکز هنرهای نمایشی و مجموعه تئاتر شهر بازی حمایتگر خوبی برای ما بودند تا بتوانیم این نمایش را روی صحنه ببریم.» فرزین محدث، بازیگر نقش شهید علیرضا نادعلی در این نمایش است، شخصیتی که تلاش شده کاملاً مستند باشد. فرزین محدث بازیگر این نقش می‌گوید: «علیرضا نادعلی واقعی است؛ ایشان در فریاد حیات هستند و در آن زمان ۲۰ سال داشتند. در حزب مسئول تبلیغات و تدارکات بودند. خیلی‌ها این نادعلی را پذیرفته‌اند و تنها می‌گویند که او قدش کوتاه‌تر است و عینک هم

ندارد. اصولاً من در این ۱۶ سال همه نمایشی بازی کرده‌ام و این تنها نمایش مستندی بود که تجربه کردم. برایم جذاب بود که یک نقش مستند سیاسی بازی کنم. ما در تئاتر از این دست کارها نداشتیم.» محدث در ادامه کمی از وضعیت کنکاوخت تئاتر نیز گویای می‌کند و ادامه می‌دهد: «سلیقه مخاطب را ما تعریف می‌کنیم و تا زمانی که روند نزولی در این رابطه داشته باشیم، متأسفانه اتفاقی رخ نمی‌دهد. مخاطبان باید با انواع تئاتر روبه‌رو شوند، اگر قرار باشد تمام تئاتر تنها پرداختن به شوخی‌های عوامانه و نامناسب باشد، تئاتر ضربه می‌خورد.»

پرداختن به تاریخ معاصر مساله مهمی است که تئاتر نتوانسته آن طور که باید به آن بپردازد، محدث در این رابطه نیز مشکل را دو جانبه می‌داند و می‌گوید: «متأسفانه اتفاقی که در تئاتر افتاده است در این اواخر یک سری کسانی که کار می‌کنند ذائقه تماشاگر را خراب کرده‌اند و این ذائقه به سمت تئاترهای رفته که به هر ترندنی می‌خواهد خنده تماشاگر را در بیاورد. این بد نیست، ولی قرار هم نیست تمام ذائقه‌ها به این سمت بروند، از طرف دیگر پرداختن به تاریخ معاصر همواره هم برای هنرمند مواعی داشته و هم آن طور که باید برای مخاطب جدی نبوده است، اما خوشبختانه طی سال‌های اخیر مخاطبان تئاتر دیگر صرفاً برای دیدن یک نمایش به سالن‌ها نمی‌آیند، بلکه پرسش‌هایی دارند که شاید فکر می‌کنند تئاتر می‌تواند پاسخگوی آنها باشد. سه سال پیش رهبر انقلاب اسلامی در دیدار با دانشجویان از عدم پرداخت هنری به ماجرای بمب‌گذاری حزب جمهوری اسلامی انتقاد کردند و یکی از مصادیق کار در این رابطه را تئاتر دانستند. لازتی در ادامه می‌گوید: «رهبر انقلاب در گذشته هم که با خانواده‌های هفتم تیر و مدافعان حرم دیدار داشتند گله‌مند بودند از این موضوع که خوب، یک رمان خوب یا یک فیلم و تحسیمی خوب نداریم. بعد از آن به فکرمان افتاد که طرحی را آماده کنیم و به بنیاد شهید ارجاع بدهیم که اکنون حاصل آن را می‌بینید.» لازتی ادامه می‌دهد: «متأسفانه بسیاری از خانواده شهدای ترور از عدم توجه و پرداختن به شهدای ترور در شکل هنری ناراضی هستند و گلایه دارند که امیدوارم ما توانسته باشیم حتی اندازه قطره‌ای از این دریای بی‌کران به این مساله توجه کنیم و اثری هنری را ارائه دهیم.» یکی دیگر از دغدغه‌های گروه اجرایی روایت کردن تاریخ است، اینکه عموم مردم تاریخ را مطالعه نمی‌کنند یا به خوبی به خاطر ندارند، یکی از مضامین جدی در برخورد با حوادث مختلف است. شهلایی نیز در این رابطه می‌گوید: «این مساله وجود دارد، اما باید قبول کنیم همیشه نباید انتظار داشته باشیم تاریخ خوانده شود، تاریخ اگر به وسیله هنر به صورتی جذاب روایت شود یا به نوعی روایت شود که مورد پسند قرار گیرد بی‌شک هم در ذهن مخاطبان عام و خاص ماندگار می‌شود و هم او را در روبه‌رو شدن با حوادث مشابه ایمن می‌کند. نمایش «هفت روز از تیر شصت» با بازی رامین سیاردرشتی، فرزین محدث، میزگان خالقی، فرهاد تفرشی، احمد جعفری و هدیه رضایی تا ۲۳ تیر ماه ۱۳۹۶ هر شب ساعت ۲۰:۳۰ در سالن سایه مجموعه تئاتر شهر روی صحنه می‌رود.

